



با وجود تذکر رهبر انقلاب درباره ضرورت اصلاح الگوی جدید قراردادهای نفتی، ایرادات این قراردادها همچنان باقی است و وزارت نفت، شاکله اصلی قراردادها را در مصوبه جدید دولت حفظ کرده است. مطرح شدن قصد دولت برای اجرای مدل جدید قراردادهای نفتی موجب نگرانی و اعتراض طیف گسترده‌ای از متخصصان اقتصادی و نفتی و بلکه نخیشان کشور شده است. عمدتا نگرانی آنها به خاطر به خطر افتادن منافع ملی در سال‌های طولانی ناشی از انعقاد این قراردادهاست. بعد از مطالعه این قرارداد متوجه شدیم ایرادات اساسی و محتوایی بسیار جدی به آن وارد است. پس از این اقدام با دعوت دکتر جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور در جلسه‌ای به ریاست دکتر آقامحمدی تمام منتقدان در ۳ جلسه ۶ ساعته و یک جلسه ۱۲ ساعته در محل نهاد ریاست‌جمهوری حاضر شدند. در این جلسه که تمام منتقدان و مسئولان وزارت نفت حاضر بودند، پس از بررسی

نامه‌ای برای وزیر امور خارجه دولت تدبیر و امید

سلطه واژه‌ها ممنوع!

این موضوع، نامه ارسالی به وزارت امور خارجه در این رسانه منتشر می‌شود. لازم به ذکر است نگارنده این مرقومه به‌عنوان کوچک‌ترین پیادمنظام فرهنگی کشور، سعی در پیگیری کمترین مطالبات رهبر معظم انقلاب داشته‌اند لذا رویکرد این نامه، بررسی مفاهیم سیاسی و ژئوپلیتیک نبوده و صرفاً به‌عنوان یک موضوع فرهنگی به آن پرداخته شده است. امید که این تذکر دلسوزانه، با توبیخ، تنبیه، تهدید و تعقیب و تطمیع و تیغ گانزبر دولت اعتدال روبه‌رو نشود.

متن نامه به وزیر امور خارجه

بسمه‌تعالی

جناب آقای دکتر محمدجواد ظریف

وزیر محترم امور خارجه دولت تدبیر و امید

با سلام

احتراما چنانکه مستحضر هستید یکی از مطالبات رهبر معظم انقلاب در خصوص جلوگیری از سلطه فرهنگی و هژمونیک اروپا، عدم استفاده از تعابیر و واژه‌هایی است که هدف استعمارگران از به‌کارگیری و ترویج آنها، سلطه‌پذیر نمودن ملت‌هاست. یکی از این موارد، واژه‌سازی «خاورمیانه» است. زبان و واژگان آن، به‌عنوان نیروی تسخیرآمیزنده، نقش ویژه‌ای در بسترسازی، تکوین و بالندگی فرهنگی و تحقق هویت ملی دارد. شایسته است در دوران اکنون که پایداری و فداکاری سربازان جبهه مقاومت از حزب‌الله و سپاه قدس ایران تا فاطمیون و سپاه بدر، کشورمان را به قدرت اول منطقه مبدل نموده و بر نظریه «روپامحوری» خط پلان کشیده است، ما نیز در این طلوع پرغرور، واژگان سیاسی مخصوص خود را به دنیا مخابره کنیم. همچنین کمترین انتظار از جنابعالی این است: حال که به‌رغم تذکرات دلسوزانه رهبر فرزانه انقلاب، شما نیز به اصرار خود، زخم پنجه‌های چدنی استعمارگران اروپایی و آمریکایی را از زیر دستکش مخملی آنها با تجربه تلخی به نام «برجام» احساس کرده‌اید، لاقال سلطه فرهنگی آنها را در قالب واژگان نپذیرید. لذا با توجه به اصل ۱۵۲ قانون اساسی کشور مبنی بر «حق هرگونه سلطه‌پذیری در سیاست خارجی کشور» و با توجه به سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، ذیل بخش تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی، بند ۷۲ با موضوع «توجه ویژه به توسعه و تجلی مفاهیم، نمادها و شاخص‌های هویت اسلامی- ایرانی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور» و بند ۶۸ با موضوع «تالش برای تبیین ارزش‌های انقلاب اسلامی»، مقتضی است نسبت به عدم استفاده از اصطلاح «خاورمیانه» و توجه به منویات مقام معظم رهبری در این خصوص، همچنین تدوین مصوبه یا بخشنامه‌های جهت استفاده از اصطلاح «غرب آسیا» به جای «خاورمیانه»، و بیانیه‌ها، رسانه‌های وزارت امور خارجه و سخنان مسئولان و مدیران این وزارتخانه، اقدام لازم را مبذول فرمایید. امید که اجرائی مطالبات مقام معظم رهبری و توجه عمیق به فرامین معظم‌له، در قالب عملیات توأم با درایت و مدیریت خردمندانه، علمی و همه‌جانبه و دقت در دیپلماسی هدفمند کشور، همراه با حفظ منافع ملی، باعث تحولات چشمگیری در همه شؤون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور گردد.

برادر کوچک شما
«دانشجوی دکتری مدیریت فرهنگی

هنوز کسی پاسخگوی قراردادهای جدید نفتی نیست

دستان خالی مدافعان IPC

- دکتر میثم پاشایی *

تعدادی از اعضای باشگاه نفت و نیرو که متشکل از مدیران قدیمی وزارت نفت هستند و مشاورانی هم گرفته‌اند و وزارت نفت هم با آنها در تعامل است وقتی با طرف خارجی روبه‌رو شوند و طرف خارجی ببیند آنها را قبول دارد آنها می‌پذیرند و بنا بر این، «دلای» و جاهت قانونی پیدا می‌کند و طیفی از تکنوکرات‌های ثروتمند را می‌سازد که لزوما تمایلی به دانش و تکنولوژی و امثال آن ندارند و حتی می‌توانند بعد از مدتی رویالتی خود را بفروشند. در این قرارداد نکته دیگری که حائز اهمیت است اینتکه ۵۰ درصد اختیار حاکمیتی را به خارجی‌ها واگذار کرده‌ایم که این موضوع هم غیرقانونی است. اگر اختلافی به وجود بیاید پرونده به حکمیت برده می‌شود که در این حکمیت نسبت رابطه ما به طرف خارجی ۱ به ۲ است. در این شرایط قطعاً ما بازنده هستیم. یک نماینده از طرف ما و یک نماینده از طرف شرکت خارجی انتخاب می‌شوند و دادگاه ICT هم یک نماینده دیگر را که یسارویایی یا آمریکایی هست تعیین می‌کند و در نهایت همیشه ما بازنده هستیم. در این قرارداد عملا میدان به مدت ۷ سال، به شرکت خارجی واگذار می‌شود. شرکت خارجی باید با شرکت ایرانی که مورد تایید وزارت نفت است، کارهای اکتشافی را انجام دهد و مشغول تولید زودهنگام شود. ۲۵ سال بهره‌برداری می‌کند که هزینه سرمایه‌گذاری، سود بانکی و پاداش را از محل تولید ۵۰ درصد میدان کسب می‌کند. هم‌اکنون در بخشی به نام FID، پاداش و انعام اضافی هم برای شرکت خارجی در نظر گرفته شده است. برای مثال در میدان آزادگان که در حال حاضر مورد مذاکره با TOTAL است، میدانی که گل سرسبد میدان‌های ایران است، TOTAL برای تولید ۲۱۰ هزار بشکه، ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار باید سرمایه‌گذاری کند اما چیزی که به

دست می‌آورد حداقل ۵۰ برابر سرمایه‌گذاری طی این ۲۵ سال است. باز هم تاکید می‌کنیم حداقل ۵۰ برابر است. اکنون شرکت توتال پیشقدم شده و سینه‌خیز به طرف ما می‌آید، ۵ فروردین جناب وزیر اعلام کردند رسماً قرارداد محرمانه‌ای با آنها منعقد کرده‌اند. انتشار مصوبه هیات دولت درباره قراردادهای نفتی باعث نگرانی‌های جدی شده که آسیب‌پذیری کشور را بیشتر کرده و خطر ایجاد کرسنت‌های متعدد را به مراتب افزایش می‌دهد. متأسفانه مبانی حقوقی، فنی، مالی و اقتصادی این قرارداد بشدت ضعیف و ناشی از «ها نمی‌توانیم» است. جمع‌بندی جلسات مدافعان و منتقدان منتج به این شد که این‌ الگو در ۱۳ مورد دارای ایراد اساسی است. اگر وزارت نفت برای میادین مستخرج و به تاراج رفتن سرمایه‌های ملی نگران است چرا دست مناطق نفتخیز جنوب را بسته است؟ در جلسات متعدد به مسئولان وزارت نفت گوشزد شده‌اگر مدل پان‌یک‌را اجرا کنید یعنی سرمایه‌گذار می‌آید پول می‌آورد، کارش را انجام می‌دهد، پولش را می‌گیرد و می‌رود اما در IPC سرمایه‌گذار صاحب خانه می‌شود. حوالا با توجه به انتقادات گسترده، تمام امیدها به هیات تطبیق مصوبات دولت با وجود چندین جلسه با دولت، در نهایت انتقاداتشان نسبت به الگوی جدید قراردادهای نفتی مورد بی‌توجهی قرار گرفت. معتقدیم این مصوبه دولت خلاف امنیت ملی است و باید دید هیات تطبیق مصوبات با اصلاح قرارداد خسارت‌بار نفتی، دغدغه دلسوزان نظام را لحاظ می‌کند؟

عضو کمیته منتقدان قراردادهای نفتی و مدرس دانشگاه

به بهانه سفر اردوغان به روسیه و دیدار با پوتین

چرخش ژئوپلیتیک؛ فرجام توهم سلطان

محمود نوراتی؛ مدت زیادی از کودتای مشکوک و مرموز ترکیه نگذشته است و «رجب طیب‌اردوغان» سراسیمه به دنبال تکیه‌گاه‌های جدید برای تحکیم پایه‌های قدرت خود در ترکیه می‌گردد دولت عدالت و توسعه بعد از کودتای نافرجام ۱۵ جولای دچار تزلزل و ضعف نهادی شده است. اینتکه بازسازی دولت بعد از کودتا همانند گذشته خواهد بود یا مسیر متفاوتی را طی می‌کند، همبستگی عمیقی با ۲ سطح از رفتار داخلی دولت اردوغان و نیروهای خواهان تغییر وضع موجود و همچنین ترجیحات سیاسی-امنیتی ایالات متحده آمریکا و متحدان ناتو ترکیه دارد. اما با این وجود خود اردوغان بهتر از هر کسی دریافته است شاه‌کلید ماجرا چیزی جز توهمات شیخی و وح در قبال سیاست‌های داخلی و بیشرتی از سیاست‌های منطقه‌ای خود وی نبوده است؛ رویای عثمانی‌گری و کلیددار خاورمیانه بودن بیش از هر چیز اردوغان را به فضایی کشانده است که نتیجه آن در حال حاضر و بویژه بعد از کودتای نافرجام، ابهام در آینده اسلام سیاسی در ترکیه، تشدید بی‌ثباتی داخلی و تهدیدات تروریستی در نتیجه تضعیف ارتش، عدم تمرکز و تضعیف توان نظامیان در مبارزه با شبه‌نظامیان «پ‌ک‌ک» و همچنین رکود شاخص‌های اقتصادی و تجاری و سناریوی تاسیس یک نظام سیاسی اقتدارگرا از پیامدهای مهم داخلی و در محیط همسایگی و غرب آسیا با چالش‌های جدی پیش‌روی کردها در شمال سوریه، تحولات میدانی سوریه و بویژه تحولات جاری حلب، عراق و فشار دولت مرکزی آمریکا برای خروج نیروهای نظامی ارتش ترکیه از منطقه البعثیه، مواجهه شده است. اما ناگفته نماند در عرصه بین‌الملل نیز چشم‌انداز حضور ترکیه در ناتو، با تعریف روابط استراتژیک ترکیه با آمریکا و متحدان ناتو، نگرانی اتحادیه اروپایی نسبت به چگونگی حل‌وفصل مساله پناهنجویان و نزدیک‌ی به شرق و گذار در نظم زیرسیستم خاورمیانه و شرق مدیترانه از مهم‌ترین پیامدهای بین‌المللی ترکیه بعد از کودتا محسوب می‌شود. از این سو روابط ترکیه و آمریکا با توجه به مساله استرداد «فتح‌الله گولن» و انتقادات داخلی شدید از نیروهای ارتیکایی در حمایت از کودتاجپان سیر تنش‌آمیزی را طی می‌کند. نقش ترکیه و روابط استراتژیک آن با آمریکا یکی از بنیادی‌ترین ساختارهایی بوده است که در دریای سیاه، خاورمیانه و معادلات منطقه‌ای عمل کرده است و اگر دچار اختلال شود، نقش آمریکا در خاورمیانه تعاریف جدیدی به خود خواهد گرفت و در این صورت، با سناریوی تغییر به سمت شرق از سوی ترکیه به‌نظر می‌رسد در صورت تحول با توجه به جایگاه ژئواستراتژیک ترکیه در ساختار موجود نظام بین‌الملل شاهد گذار در نظم منطقه‌ای و ساختار نظام بین‌الملل خواهیم بود.

تغییر سناریو: چرخش ژئوپلیتیک

سرتیتر خبرها حاکی از سفر اردوغان به کشور تزارها بود، رئیس‌جمهوری ترکیه در نخستین سفر خارجی خود پس از کودتای نافرجام به روسیه سفر و با «ولادیمیر پوتین» دیدار کرد. پس از وقوع کودتا در ترکیه و محکوم کردن کودتا توسط روسیه و در مقابل، سکوت مقامات و محافل غربی در ساعات ابتدایی کودتا و همچنین تنش‌هایی که بین ایالات متحده و ترکیه بر سر احتمال براندازی دولت عدالت و توسعه توسط نیروهای غربی، بسیاری از تحلیلگران بر این باورند ترکیه در سیاست خارجی خود تغییراتی ایجاد کند؛ تغییری که ممکن است در راستای بهبود روابط و مناسبات ترکیه با روسیه و فاصله گرفتن هر چه بیشتر این کشور از غرب و ایالات متحده باشد. در مجموع کودتای اخیر ترکیه باعث هرچه پیچیده‌تر شدن روابط ترکیه با اروپا و آمریکا خواهد شد. این توضیح می‌دهد چرا برای نخستین‌بار در سال‌های اخیر بحث‌های جدی درباره عضویت آنکارا در ناتو در ترکیه بالا گرفته است. اردوغان پیش از این نشان داده یکسری غریزهای سیاست خارجی اوراسیایی دارد و می‌تواند به آسانی این چرخش را با توجه به اینکه ارتش ترکیه به عنوان قوی‌ترین عامل ارتباط ناتو با آنکارا از شکل افتاده است تکمیل کند. به نظر می‌رسد پس از شکست کودتا، اردوغان در فهرست کشورهای خارجی دوستش تجدیدنظر سریعی داشته باشد که در واقع به معنای چرخش ژئوپلیتیک از غرب به شرق قلمداد می‌شود.

بازنه‌اندگان نمایش سن پترزبورگ

مهم‌ترین نکته راهبردی که از دیدار اردوغان و پوتین می‌توان انتظار داشت این است که بهبود روابط روسیه و ترکیه به ضرر کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس و گروه‌های تروریستی مورد حمایت آنها خواهد بود. با این حال بهتر است غرب دیگر روی آنکارا برای تلاش برای کنار زدن «بشار اسد» یا کنترل موح مهاجران حساب نکند، چراکه اخبار رسانه‌های روس از اظهارات اردوغان پیش از دیدار با پوتین نشان داد «هرد بیچار اروپا» احساس می‌کند در روسیه «فضای تنفس تازه‌ای پیدا کرده است. نمایش سن پترزبورگ لیست بلندی از بازندگان دارد.

در وهله اول «داعش»، «القاعده»، «النصره» و «فتح‌الشام» و همه دیگر گروه‌های افراط‌گرایی هستند که در سوریه در حال نبرد با نظام حاکم هستند. آنها می‌بینند اصلی‌ترین منبع تأمین تسلیحات‌شان با خشن‌ترین دشمن‌شان، یعنی تارنده نیروی هوایی روسیه، روی هم ریخته‌اند، در مرحله بعد هم «میلیارد‌های سعودی و قطری» قرار دارند که برای مقابله با ایران و نیروهای مورد حمایت این کشور در سوریه و عراق به تأمین مالی و تسلیحاتی مخالفان سرگرم بوده‌اند. در پایان به نظر می‌رسد اگر پوتین و اردوغان بر مبارزه با «تروریسم» تاکید کنند، شاید بتوان منظر تغییر اوضاع در سوریه بود. در واقع این موضوع به تغییرات گسترده در آینده الگوی ائتلاف‌سازی ترکیه بویژه با عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی برخواهد گشت، چرا که ترک‌ها با توجه به بحران‌های داخلی و منطقه‌ای که با آن مواجه هستند، به تغییر الگوهای ائتلاف‌سازی خرد و کلان خود دست خواهند زد.

به نظر می‌رسد الگوی ائتلاف‌سازی ترک‌ها به آینده رابطه ترکیه

روسیه و آمریکا بستگی خواهد داشت؛ اینکه دوری با نزدیک استراتژیک به غرب، آینده روابط با سعودی‌ها، سوریه، عراق، ایران و روسیه را تعیین خواهد کرد.
«پژوهشگر جغرافیای سیاسی

اشاره

نطق طولانی حسین مکی برای تصویب نشدن «گس – گلشایان»

۲۹ اسفند ۱۳۲۹، مجلس سنای ایران طرح ملی شدن صنعت نفت را تصویب کرد. ملی شدن صنعت نفت در واقع پیشینه‌ای بود که ابتدا با امضای همه اعضای کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی ایران در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ به صحن علنی مجلس ارائه و ۲۴ اسفند تصویب شد و سپس با تأیید سنا در روز ۲۹ اسفند به قانون مبدل شد اما شاید یکی از مهم‌ترین فرازها پیش از مجلس شانزدهم و اقدام قابل تحسین مرحوم «سیدحسین مکی» در مجلس پانزدهم باشد که در نطق بی‌سابقه و چنده ساعته مجلس پانزدهم را بدون تصویب قرارداد الحاقی «گس – گلشایان» به پایان برد. شرح این اتفاق را برادرزاده وی اینگونه تعریف می‌کند:

در مجلس پانزدهم اقلیت مجلس با قرارداد الحاقی «گس – گلشایان» مخالفت کردند که این اقلیت شامل دکتر مظفر بقایی، دکتر حائری‌زاده و آقای سیدحسین مکی بودند که مبارزات خود را برای ملی شدن «فوم – سلدچیکف» استراتر زدن تا علنا استیفای حقوق ملت ایران را از نفت جنوب به تصویب برسانند که رساندند. زمانی که دولت وقت اصرار داشت قرارداد گس – گلشایان را که به نوعی قرارداد الحاقی بود به تصویب مجلس پانزدهم برساند، با مخالفت پی در پی اقلیت مجلس پانزدهم روبه رو شد. اقلیت مجلس سعی داشت از هر ابزار قانونی‌ای که در اختیار دارد استفاده کند تا مهلت قانونی دوره مجلس پانزدهم به پایان برسد؛ بدون اینکه قرارداد به تصویب برسد. آقایان نطز آتشین و برحرارت حسین مکی را یکی از عوامل اصلی دانستند که وقت مجلس را گرفت. دوستان آقای مکی در لابی‌هایی که در مجلس دراز دیگر اعضای مجلس، وقت برای آقای حسین مکی می‌گرفتند تا حسین مکی بتواند به نطق ممتد خود ادامه دهد. آقای مکی توانست با این ترفند وقت مجلس پانزدهم را به اتمام برساند. من خود با ایشان صحت کردم چگونه سخنرانی طولانی می‌کردید که آقای مکی پاسخ داد نزد دکتر رفتم که دکتر داروهایی تجویز کرد. آقای حسین مکی در طول سخنان خود در مجلس پانزدهم می‌گفتند «متردین» مصرف می‌کرد تا بتواند بخوابد و سخنرانی کند. دقیقاً ساعت ۱۲ شب عید فطر آن سال مجلس کار خود را تمام کرد که موج شادی در مجلس به پا شد و نمایندگان با کف زدن آقای مکی را تشویق کردند. نکته قابل توجه این است که بعد از آنکه اقلیت مجلس موفق شدند مانع تصویب طرح الحاقیه نفت در مجلس شوند پی بردند می‌توانند برای ملی شدن صنعت نفت نیز تلاش کنند و برای همین دنبال یک ریش‌سفیدی بودند که ید طولانی در مباحث نفتی داشته باشد؛ این فرد کسی نبود جز محمد مصدق. آقای مکی به اتفاق دکتر بقایی، در احمدآباد نزد مصدق رفتند و با در خواست و التماس از او خواستند کاندیدی مجلس شانزدهم شورای ملی شود البته در آن زمانی که اقلیت مجلس پانزدهم به مخالفت با قرارداد الحاقی می‌پرداختند دست‌نشاندهاگان انگلیسی‌ها شائناژن خیری می‌کردند که چون مطالبی قرارداد الحاقی پول پیشترتی در ایران می‌رسد نمایندگان اقلیت تلاش می‌کنند قرارداد تصویب نرسد. «عبدالحسین هزیر» وزیر وقت دربار چون دید در انتهای مجلس پانزدهم اقلیت نمی‌گذارد قرارداد گس – گلشایان به تصویب برسد، به آنان پیام داد اجازه انتخاب شدن دوباره برای مجلس شانزدهم داده نخواهد شد. نکته کلیدی‌تر اینکه زمانی که دکتر مکی مشغول سخنرانی در پایان مجلس پانزدهم بود، از طریق دربار به گوش آنها رساندند اگر قرارداد الحاقی به تصویب نرسد پشت گوش‌تان را دیدید؛ نمایندگی مجلس شانزدهم را خواهید دید. به همین دلیل اقدام دیدند چاره‌ای نداشتند جز اینکه مبارزات خود را برای ملی شدن صنعت نفت ادامه دهند

برای همین متوسل به دکتر مصدق شدند. بعد از اینکه مصدق را راضی کردند در انتخابات مجلس شانزدهم شرکت کند، تصمیم گرفتند چراید ملی را دعوت کنند تا با اعمال فشار از طریق رکن چهارم دموکراسی زمینه برگزاری انتخابات آزاد را فراهم کنند. نتسست در منزل دکتر مصدق برگزار شد و در آن جلسه به این نتیجه رسیدند برای اینکه انتخابات آزاد برگزار شود به اتفاق هم به سمت کاخ مرمر بروند و در کاخ مرمر تحصن کنند. آقای مصدق، زمانی که با وزیر وقت دربار عبدالحسین هزیراً روبه‌رو شد با صدای بلند و اعتراضی گفت عبدالحسین‌خان! آیا این انتخابات آزاد است؟ البته قبل از این تحصن، حدود ۱۰ هزار نفر از مردم تجمع کرده بودند. آقای مصدق گفت به ما که اجازه نمی‌دهند همه به سمت کاخ مرمر برویم پس ۲۰ نفر را انتخاب کنیم تا در داخل کاخ مرمر متحصن شوند. بعد از ۴ روز تحصن در کاخ مرمر در تاریخ ۲۷ مهر ۱۳۲۸ شاه به محتصنان دستور داد تحصن‌تان را بشکنید و بروید، ما به آن فکرمی‌کنیم.

سیدامیر مکی، برادرزاده مرحوم سیدحسین مکی در گفت‌وگو با فارس